

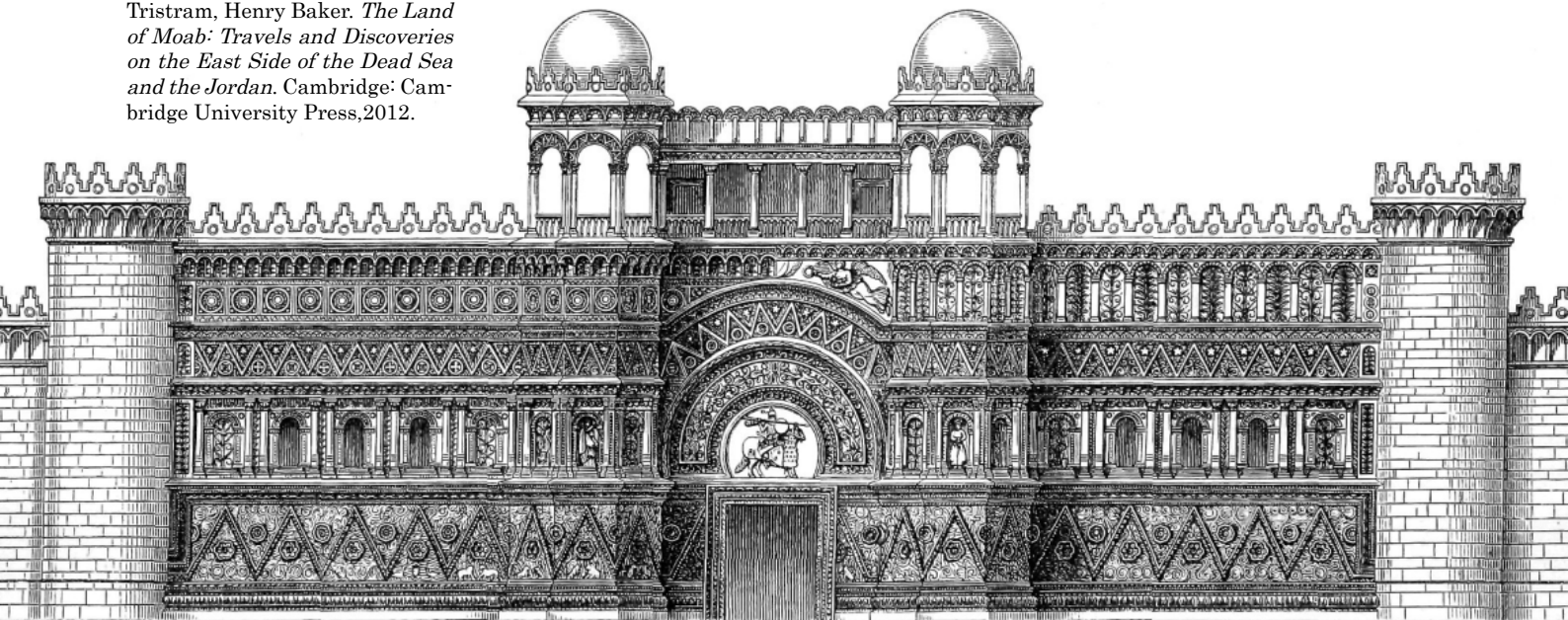
# ساسانی یا اسلامی؟ مسئله دُنالد ویتکم این است.

احسان طهماسبی • کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی  
دکتر در معماری، دانشگاه هنر تهران

اگر در ابتدا بخواهیم خلاصه و مضامین اصلی مقاله ویتکم را بیان کنیم، باید بگوییم که در اینجا ویتکم با بررسی برخی آثار معماری و محوطه‌های کاوش‌شده منسوب به ساسانیان و مسلمانان متقدم، درباره تاریخ‌گذاری و گسست و تداوم فرهنگی میان دو دوره بحث کرده است.

تصویر ۱. نمای خارجی کاخ المشتی. بازسازی  
از جیمز فرگوسن. مأخذ:

Tristram, Henry Baker. *The Land of Moab: Travels and Discoveries on the East Side of the Dead Sea and the Jordan*. Cambridge: Cambridge University Press, 2012.



وی ابتدا به این اشاره کرده که از نظر بسیاری از پژوهشگران، فتح مسلمانان به مثابه پایان عهد باستان بوده؛ با این همه نویسنده معتقد است که حوادث سیاسی و تغییرات فرهنگی معمولاً هم‌گام نیستند. ویتکم در ادامه درباره برخی آثار امویان سخن می‌گوید که در آنها تداوم هنر ساسانی به چشم می‌خورد (تصویر ۱)؛ به نحوی که روزگاری آنها را متعلق به مسلمانان نمی‌دانسته‌اند. بحث اصلی مقاله درباره چهار محوطه سیراف (تصویر ۲)، سروستان (تصویر ۳ و ۴)، چال ترخان و حاجی‌آباد است. از نظر ویتکم هنگامی می‌توان درباره تاریخ‌گذاری این مناطق به درستی قضاوت کرد که محوطه‌های اطرافشان را کاوش و آثار را در بافت شهری بررسی کنند.

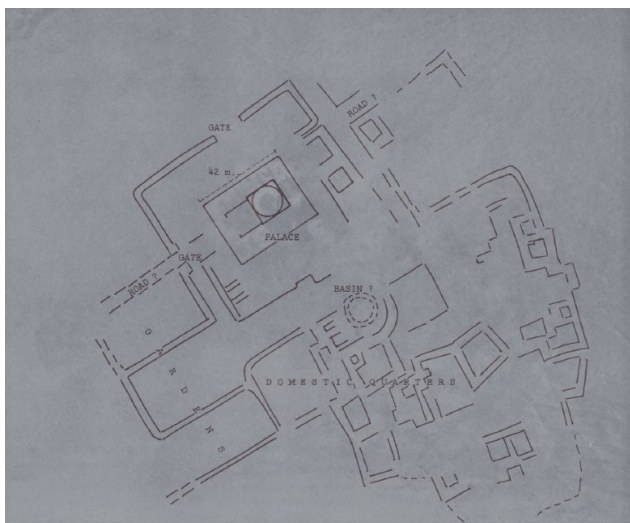
ویتکم در آغاز سخنش به شمار فراوان پژوهش‌های باستان‌شناختی انجام‌گرفته در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی در ایران اشاره می‌کند که بیشتر با شاهنشاهی‌های عظیم هخامنشیان و ساسانیان مرتبط بودند. به گمان او از آن زمان، چرخشی در دوره‌بندی‌های باستان‌شناختی از صورت کلان—مانند عصر آهن و غیره—به صورت سلسله‌ها و پادشاهان انجام شد. با این حال به گفته او، وقتی دوره‌بندی‌ها بر پایه فهرست پادشاهان یا سلسله‌ها باشد، پنداشته می‌شود که حوادث سیاسی و تغییرات فرهنگی یا باستان‌شناختی هم‌گام‌اند؛ در حالی که چنین به نظر نمی‌رسد. نویسنده سپس از فتح ایران به دست مسلمانان به مثابه حادثه‌ای یاد می‌کند که اکثر پژوهشگران آن را پایان عهد باستان و شروع دوره‌ای جدید دانسته‌اند و همچنین بر اهمیت بنیادین باستان‌شناسی برای فهم سرشت آن برهه تأکید دارد.

ویتکم در اولین بخش مقاله به سراغ موضوع ایران و فتح مسلمانان می‌رود و می‌گوید که در آن سال‌ها ایران یا ایرانشهر نیروی برتر فرهنگی در خاور میانه بود. خوب است در اینجا اشاره کنیم که ویتکم در این متن هم از اصطلاح

«فتح مسلمانان» و هم از «اسلامی» استفاده کرده و معتقد است که اولی اصطلاحی قدیمی‌تر بوده که اکنون کمتر ذکر می‌شود و دومی مفهوم فرهنگی گسترده‌تری را در بر دارد. او در ادامه می‌افزاید که چند مسئله در مطالعات پژوهشگران اولیه سبب شده بوده که تأثیر ایران بر فرهنگ اسلامی تحریف شود: تمرکز روی بلاد شام، به‌ویژه شرق مدیترانه؛ تصور فاصله میان عرب و عجم؛ تأکید بر تفاوت در زبان و ساختار سیاسی. نویسنده سپس اذعان می‌کند که محققان متأخر مانند مورونی مورخ<sup>۲</sup> و آدامز باستان‌شناس<sup>۳</sup> با مطالعه مفصل سرزمین عراق، بر تداوم فرهنگی از دوره ساسانی به دوره متقدم اسلامی صحه گذاشته‌اند. او در انتهای بخش این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه فتح به یک تغییر پایدار و اساسی در تاریخ خاور میانه تبدیل شد و مدعی است که این مقاله با شواهد باستان‌شناختی، در پی ارزیابی و تفسیر مجدد این پرسش خواهد بود.

نویسنده در بخش دوم به سراغ باستان‌شناسی ایران متقدم اسلامی می‌رود که از نظر او مقارن است با سه سلسله امویان و عباسیان و بویان؛ یعنی از سده هفتم تا دهم میلادی. او سپس یک رشته از اهداف پژوهشی را تعریف می‌کند: ۱. یافتن ویژگی‌های متمایز مصنوعات پیش از اسلام و امویان؛ ۲. تلاش برای شکستن پارادایم سامرا در باستان‌شناسی عباسیان؛ ۳. ارزیابی نظام‌مند تمایلات باستانی روزگار بویان. او در ادامه برای تبیین هر کدام توضیحات و مثال‌هایی را نیز عرضه می‌کند.

بخش سوم مقاله به سواحل شمالی خلیج فارس و مشخصاً سیراف اختصاص دارد. ویتکم با استفاده از نظرات کاوشگران آن منطقه، به وجود کاخی ساسانی یا اموی در زیر مسجد شهر و کلاً به حیات سیراف از روزگار ساسانیان تا عباسیان اذعان دارد. در مهم‌ترین بخش مقاله، که ذیل عنوان چهارم بیان شده، نویسنده پس از اشاره به بنایی کوچک با قدمت اسلامی اولیه در



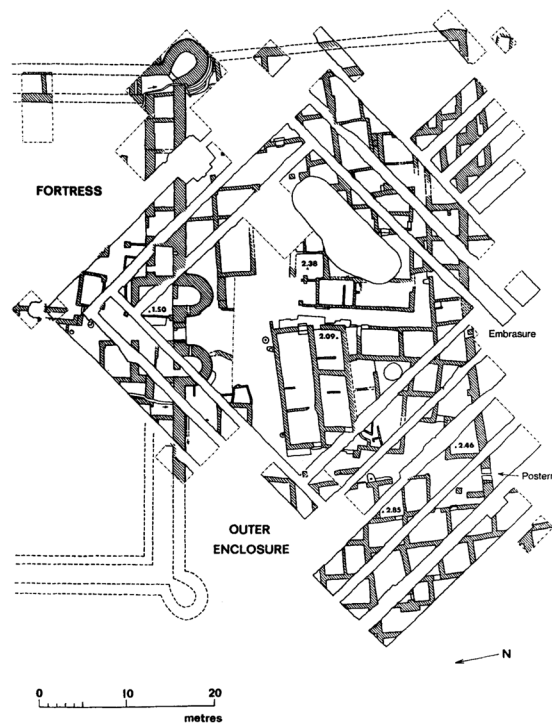
تصویر ۲ (راست). سیراف، ساختمان ساسانی زیر مسجد جامع. مأخذ: Whitehouse, David. Siraf: A Sasanian Port." In *Antiquity*, no. XLV (1971), pp. 265.

تصویر ۳ (چپ بالا). خطوط قابل تشخیص پلان کاخ ساسانی در نزدیکی سروستان بر اساس عکس هوایی. مأخذ:

Schmidt, Erich Friedrich. *Flights over Ancient Cities of Iran*. Chicago: The University of Chicago, 1940. Plate 21.

تصویر ۴ (چپ پایین). نمای افقی کاخ ساسانی در نزدیکی سروستان. تصویر در ۱۹۲۶ گرفته شده است. مأخذ:

Schmidt, Erich Friedrich. *Flights over Ancient Cities of Iran*. Chicago: The University of Chicago, 1940. Plate 21.



موضوع سبب می‌شود که در پژوهش‌ها، به جای تأکید صرف بر بانیان بناهای یادمانی، به توده مردم هم توجه شود. به بیانی دیگر، سازمان اجتماعی‌ای که این آثار در بستر آن شکل گرفته است نیز اهمیت می‌یابد. ویتکم در انتها خاطر نشان می‌کند که اسلام دینی شهری بوده و از این‌رو شهر اسلامی باب مهمی در فهم فرهنگ و تاریخ اسلامی است. او از سوی دیگر می‌گوید که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های برجسته فرهنگ ساسانیان، شهرهای بزرگ آنان بود که در سرتاسر شاهنشاهی و ایرانشهر بسط می‌یافت. از نظر وی باستان‌شناسی شهرها، به سبب شواهد پاره‌پاره و مسائل تاریخ‌گذاری، محدود و عقیم مانده؛ با این همه او بر این باور است که الگوهای مقایسه‌ای و چارچوب‌های زمینه‌ای گسترده که با تحقیقات باستان‌شناختی تولید می‌شود، عوامل بالقوه‌ای برای پیشبرد فهم تاریخ و فرهنگ متقدم اسلامی در ایران و کل خاور میانه به شمار می‌رود.

۱. این متن چکیده این مقاله است:

Whitcomb, Donald. "Sasanian or Islamic? Monuments and criteria for dating". In *Iranian World: Essays on Iranian Art and Archaeology, Presented to Ezzat O. Negahban*, ed. by A. Alizadeh and others, 210-219. Tehran University, 1999.

2. Morony, Michael G. *Iraq after the Muslim Conquest*. Princeton University Press, 1984.

3. Adams, Robert McC. *Land Behind Baghdad: A History of Settlement on the Diyala Plains*. The University of Chicago Press, 1965.

4. Bier, Lionel. Sarvistan, *a Study in Early Iranian Architecture*. The Pennsylvania state university press, 1986.

5. Thompson, Deborah. *Stucco from Chal Tarkhan-Eshqabad, near Rayy*. Aris & Phillips, 1976.

6. Azarnoush, Massoud. *The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran*. Monografie di Mesopotamia III, Florence, and Casa Editrice Le Lettere, 1994.

پوسکان فارس، به سراغ چند بنای مسئله‌دار و مشهور به کاخ و منسوب به ساسانیان می‌رود. نخستین آنها بنای سروستان است که معمولاً در مقام یک کاخ توصیف شده؛ اما بدون تزیینات گچ‌بری. در اینجا وی از پژوهش لایونل بیر یاد می‌کند که معماری اثر را پس‌اساسانی و از نظر ظاهری نزدیک به اخضر دانسته و از تاریخ‌گذاری ۷۵۰ تا ۹۵۰ م برای آن دفاع کرده است.<sup>۴</sup> اما چیزی که به گفته ویتکم در این بحث غایب است، مطالعه نظام‌مند سیاق و بستر فیزیکی بنا است و به بقایای آثاری در اطراف آن اشاره‌ای کوتاه دارد. او در گام بعدی به سراغ محوطه دیگری منسوب به ساسانیان می‌رود که مجموعه کاخی است در چال ترخان. پژوهشگران در ابتدا قدمت این بنا را، که برای گچ‌بری‌های مشهور شده است، به اواخر ساسانیان می‌رسانند. ویتکم از دیراً تامپسن نقل می‌کند که هر دو کاخ به‌طور جامعی در سبک ساسانی‌اند؛ اما از طرف دیگر با قلاع بیابانی اموی قابل مقایسه‌اند و ممکن است ساخته امویان در ایران باشند.<sup>۵</sup> نویسنده سپس به بنای حاجی‌آباد در فارس اشاره می‌کند و با اطمینان بیشتری آن را ساسانی می‌داند. همچنین تأکید دارد که مسعود آذرنوش (کاوشگر محوطه) به بررسی میدانی منطقه توجه داشته و الگوهای استقرار در آن ناحیه را برای شناخت سیاق بنای مذکور آزموده است.<sup>۶</sup>

نویسنده در بخش پایانی مقاله، درباره مطالعات زمینه‌ای یا سیاقی آثار بحث می‌کند. وی اولین مسئله را تعیین معیار باستان‌شناختی برای شناخت هویت دوره متقدم اسلامی می‌داند و مثال‌هایی از پژوهشگران مختلف درباره تردید در ساسانی یا اسلامی بودن بناها بیان می‌کند. او سپس بر پایه نمونه‌هایی که در مقاله ذکر شد، بر در نظر گرفتن سیاق فضایی آثار اصرار دارد و می‌گوید که تصوّر ساختمان منفرد گمراه‌کننده است؛ زیرا این آثار بخشی از مجموعه زیست‌گاهی است که غالباً می‌تواند بافت شهری در نظر گرفته شود. همچنین می‌افزاید که این